

عکس: آرش لاجورد



زندان مدرسه آموزش خطاکاران تازه کار

لطیف : مازنی

چو خشم آیدت بر گناه کسی
تأمل کنش در عقوبت بسی
که سهلست لعل بدخشان شکست
شکسته نشاید دگر باره بست

(سعدی)

به همت دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری «با مشارکت سازمان اصلاحات جزائی بین المللی (I.R.P) کارگاه آموزشی دو روزه‌ای با عنوان مجازات‌های جایگزین حبس و به منظور تبادل نظر قضات ایرانی و خارجی در روزهای نهم و دهم بهمن ماه سال جاری در مرکز مطالعات بین المللی وزارت امور خارجه برگزار گردید که تعدادی از قضات دادگستری استان تهران و نیز سایر استانها در شهرهای کشور به همراه قضاتی از کشورهای فرانسه و ژیمباوه و مسؤولین سازمان اصلاحات جزائی بین المللی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری شرکت داشتند و طی دو روز صبح و عصر ضمن استماع سخنرانی صاحب نظران به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوع مجازات‌های جایگزین حبس پرداختند. در پایان گواهینامه شرکت در کارگاه نیز به قضات شرکت

کننده اعطاء شد مطالب زیر چکیده و رئوس مباحث مورد بحث این کارگاه آموزشی است که جهت اطلاع همکاران گرامی عرضه می گردد.

زندان مدرسه آموزش خطاکاران تازه کار^(۱)

الف) وضعیت کنونی: کارگاه در خصوص وضعیت کنونی دادرسی جزائی در ایران و جهان به نتیجه گیری‌های ذیل نائل گشت.

● مجازات زندان در ایران و سراسر دنیا با بحران روبروست. بحرانی همپای آلودگی هوا که بشریت را آزار می دهد.^(۲)

● بالغ بر هشت میلیون مرد و زن و کودک و جوان در سراسر جهان در زندانها بسر می برند از اینرو معضل زندان جهانی است، افزایش جمعیت در زندانها، مسائل و مشکلات بسیاری مانند مسائل بهداشتی و سرایت بیماری‌های واگیر، مسائل اخلاقی، خشونت‌های فیزیکی و روانی، تأثیر سوء بر خانواده زندانیان، تشکیل نطفه باندهای مجرمان و امکان بارگیری مجرمان در زندان و صرف هزینه سنگینی را در پی دارد.^(۳)

● در بسیاری از کشورها و از جمله کشور ما جمعیت قابل ملاحظه‌ای از زندانیان را متهمینی تشکیل می دهند که در انتظار حکم دادگاه بوده و به اصطلاح تحت قرار هستند. اکثریت این متهمان یا از امداد حقوقی اندکی برخوردارند و یا به کلی از آن بی بهره اند. مدت کوتاه اقامت آنان در زندان فاقد اثرات تربیتی و اصلاحی آنان بوده و امکان برنامه ریزی و آموزش و تربیت آنان را نیز غیرممکن کرده است تنها اثر آن فرو ریختن ترس آنان از حبس و از بین رفتن قبح آن و بدآموزیهای زندان است بنحوی که در بسیاری موارد زندان همانند مدرسه آموزش خطاکاران تازه کار است.

● زندان در جرائم که اهمیت نه تنها فایده چندانی برای جامعه و هم چنین جبران خسارات زیان دیده از جرم ندارد بلکه موجب گسست زندگی خانوادگی زندانی نیز می شود و هیچگونه تأثیری در تربیت و اصلاح مجرم ندارد.

● عملاً شرایط حبس در اکثر زندانها غیرانسانی است و با ضوابط مقرر در عهدنامه‌های منطقه‌ای یا سازمان ملل که به امضای بسیاری از کشورها رسیده مطابقت

ندارد زندان انفرادی بدترین شکنجه برای زندانی است و به شخصیت انسانی او خدشه وارد می آورد.^(۱۲) ● تعداد زندانیان به دلیل ترس به مجازات حبس برای حل مشکل اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته و در بعضی جوامع از جمله کشور ما نزدیک به پنجاه درصد زندانیان را افرادی تشکیل می دهند که به دلیل ارتکاب تخلفات مربوط به مواد مخدر بازداشت شده اند بدون اینکه به خشونت متوسل شده باشند.

نکته قابل توجه این است که درصد مشابهی از زندانیان در داخل زندان به استفاده از مواد مخدر ادامه می دهند و در پاره ای از موارد برای اولین بار در زندان از آن استفاده می نمایند یا در زندان معتاد می شوند. ● گروه های آسیب پذیر چون زنان - کودکان معلولین جسمی - زندانیان بیمار - سالخوردگان - افراد فقیر از تدابیر و توجهات خاصی که بدان نیاز دارند برخوردار نمی شوند.

تعیین مجازات های جایگزین حبس نیاز به بستر سازی و ایجاد فرهنگ پذیرش مجازات های جایگزین حبس دارد.

ب) اهداف کارگاه - در تقابل با وضعیت کنونی اهداف کارگاه به شرح زیر بیان شد:

● بحث گروهی و تبادل نظر فعالانه کلیه شرکت کنندگان در خصوص زبان های مجازات حبس و فوائد مجازات های جایگزین.

● برداشتن گامی در جهت از بین بردن اندیشه حبس محوری که ممکن است در ذهن قاضی یا مردم یا قانونگذار باشد.

● یافتن راه هایی برای اعمال مجازات های جایگزین حبس در وضعیت کنونی و با توجه به قوانین فعلی مواردی مانند استفاده بیشتر از تعلیق اجرای مجازات که توصیه و رهنمود ریاست محترم قوه قضائیه نیز می باشد. همچنین آزادی مشروط و تعیین جزای نقدی به جای حبس و اعمال کیفیات مخفقه و تبدیل مجازات با استفاده از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، بنابراین چنانچه اراده جدی قضات با درک موقعیت کنونی و وضعیت نابسامان زندانها و بودجه ای که برای نگهداری یک زندانی مصرف می شود با در نظر گرفتن و مقایسه نتیجه ای که از حبس عاید می گردد بر این قرار گیرد با همین قوانین فعلی هم می توان از پاره ای مجازات های جایگزین استفاده کرد یا آور می شود در این خصوص دو نظریه از طرف قضات شرکت کننده ابراز شد عده ای با استناد به بعضی مواد از قانون مجازات اسلامی و قانون اقدامات تأمینی و تربیتی و مقررات مربوط به مجازات اطفال عقیده داشتند بعضی مجازات های جایگزین وجود دارد و دست قاضی در این خصوص باز است عده دیگری نیز با توضیح موارد استنادی گروه اول و کاربرد آنها عقیده داشتند در این خصوص خلأ قانونی وجود دارد تا قانونی صریح و روشن اجازه استفاده از مجازات های جایگزین را ندهد این کار ممکن نیست. ● صدور آرائی از طرف قضات با استفاده از قوانین

فعلی و به چالش کشیدن موضوع و جلب توجه جامعه و مئتن و ششمولین ذریب به این موضوع اگر چه خطراتی برای قاضی در برداشته باشد اما اینگونه آرا همواره ماندنی و تاریخی خواهد بود.

● بستر سازی و تغییر و ایجاد فرهنگ به منظور اینکه اصلاً قضات ایمان پیدا کنند که این کار مفید است ثانیاً مردم نیز قبول نمایند که جایگزین ها از جمله فعالیت عام المنفعه مجازات و تنبیه به حساب می آید و پذیرای آن به جای مجازات حبس شوند.

● تأکید بر این امر که مجازات زندان تنها گزینه نیست دادگاه مجازات حبس را یک استثنا بداند و نه اولین و تنها انتخاب خود.

تجربه ای موفق

ج - استفاده از تجربیات سایر کشورها - شرکت کنندگان از سایر کشورها از جمله فرانسه - ژیمباوه و برزیل و سازمان اصلاحات جزائی بین المللی بر موارد زیر تأکید داشتند.

● هدف کلی از مجازات های جایگزین کمک به مجرم است بدون اینکه جبران خسارات زیان دیده از جرم یا جامعه نادیده گرفته شود. لذا از این مجازات در مواردی استفاده می شود که حبس جنبه تربیتی و اصلاحی ندارد و خسارت زیان دیده یا جبران شده یا از طریق اعمال مجازات جایگزین جبران می شود همچنین جامعه از آن منتفع می گردد.

● بازداشت قبل از صدور حکم نهائی از مواردی است که اعمال این مجازات را بی اثر می کند لذا جائی که دادگاه قصد دارد مجازات جایگزین اعمال نماید باید تربیتی اتخاذ گردد که متهم قبل از صدور حکم نهائی زندانی نشود.

● در ژیمباوه اقرار متهم از موارد اعمال مجازات جایگزین است و در اعمال این مجازات سوابق کیفری و تأثیر کار عام المنفعه مدنظر قرار می گیرد. همچنین توانائی فرد مجرم در انجام کار و تخصص او و نیز رضایت نامبرده در این امر مؤثر است و در حکم دادگاه جزئیات کار مانند ساعات کار در روز یا هفته و تعطیلی در استراحت و سایر جهات دقیقاً مشخص می گردد.

● در اعمال مجازات های جایگزین حبس برای مجرمینی که دارای نفس هستند و تشکیل خانواده داده اند تربیتی اتخاذ می گردد که نفس خود را از دست ندهند و بتوانند در کنار خانواده خود بسر برند.

● چون هدف از اعمال مجازات های جایگزین تربیت و اصلاح و بازگرداندن خطاکار به جامعه و جلوگیری از بدآموزی های حبس می باشد شخصیت انسانی او مدنظر بوده و معمولاً به جز شخص یا اشخاصی که بر نحوه اعمال مجازات نظارت دارند سایر کارکنان و مسئولین مؤسسه ای که محکوم در آن به کار عام المنفعه به جای حبس فعالیت و کار می کند از محکومیت او بی اطلاع بوده و موضوع محرمانه می ماند. ● ایجاد سازمان مناسب جهت اجرا و نظارت بر

چگونگی اجرای مجازات های جایگزین بنحوی که مرتبط با اجرای احکام دادگاهها یا ادارات زندانها باشد لازم و ضروری است.

● نهایتاً اعمال مجازات های جایگزین از جمله کار در مؤسسات عام المنفعه مفید بوده و هم در کاهش جمعیت زندانها و هم در تربیت خطاکار مؤثر است بنحوی که آمارها نشان می دهد درصد اندکی از کسانی که از آن بهره مند شده اند مرتکب تکرار شده باشند و این آمار در مقایسه با بزهکاران زندانی که برای چندمین بار به زندان باز می گردند جالب توجه بوده است این تجربه در کشور ژیمباوه خصوصاً بسیار موفق بوده بنحوی که تعداد زیادی از دیگر کشورهای آفریقا نیز در پی استفاده از این تجارب هستند.

تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان ضروری است.

د) توصیه و قطعنامه پایانی کارگاه:

● شرکت کنندگان در کارگاه از سخنان و موضعگیری های مسؤولان قضائی جمهوری اسلامی ایران به خصوص ریاست قوه قضائیه در تأیید مجازات های جایگزین حبس جهت پرهیز از مضار زندان با توجه به افزایش زیاد جمعیت زندانها استقبال می کنند.

● شرکت کنندگان بر تسریع در تصویب لایحه مجازات های جایگزین در مجلس شورای اسلامی که می تواند ابهامی را که در رابطه با قانونی بودن استفاده از مجازات های جایگزین دارد مرتفع کند، تأکید دارند.

● شرکت کنندگان در کارگاه آموزشی بر لزوم جرم زدائی یا حبس زدائی از جرائم کم اهمیت که بایستی با اصلاح قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و با مشورت قضات و استادان حقوق انجام گیرد تأکید می کنند.

● شرکت کنندگان در کارگاه بر اهمیت دادرسی ترمیمی و توجه بیشتر به ایجاد صلح و سازش و میانجی گری بین مجرم و قربانی به ویژه در جرائم برخوردار از اهمیت به خصوص تأکید دارند.

● توصیه به مراکز و مجامع عام المنفعه و نیز به دولت و قوه مجریه جهت اعلام آمادگی و ایجاد امکانات لازم برای اجرای مجازات های جایگزین حبس.

● شرکت کنندگان بر لزوم فرهنگ سازی در مردم تأکید می کنند به گونه ای که مردم جایگزین ها را مجازات محسوب کنند و اعمال آنها را به معنای فرار مجرم از مسؤلیت و مجازات ندانند.

● شرکت کنندگان بر این نکته تأکید می کنند که باید به قضات توجه داده شود که حتی در محدوده قوانین موجود از اختیارات خود برای به زندان نفرستادن متهمان و محکومان به خصوص افراد آسیب پذیری چون (زنان - کودکان و سالخوردگان) تهیه و بیشتر استفاده کنند.

● شرکت کنندگان به قضات محاکم تجدیدنظر و نیز محکمه انتظامی قضات توصیه می کنند که از صدور احکام جایگزین توسط قضات بدوی استقبال کنند. ● بازدید قضات از زندانها و آشنا شدن آنها با

مشکلات موجود در زندانها قویاً توصیه می گردد .
 ● تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان در مرحله دادسرا می تواند به قاضی در استفاده از مجازات های جایگزین باری رساند .

● آنچه که بدان اشاره شد به هیچ وجه نباید به معنای بی توجهی به حقوق قربانیان جرم باشد بلکه حقوق آنان باید به بهترین وجه تأمین و خسارت وارده به آنان تا حد امکان جبران شود .

● تأکید بر تشکیل بیشتر همایشها و کارگاه های آموزشی مشابه و انجام مطالعات و پروژه های تطبیقی جهت تبادل نظر و استفاده از تجارب سایر کشورها .

برنامه سازمان اصلاحات جزایی بین المللی درباره شیوه برخورد با اطفال (۵) بزه کار

امروزه در سراسر دنیا، این اندیشه پذیرفته شده است که نظام های جزایی می باید روشی خاص و متفاوت از آنچه نسبت به بزرگسالان معمول است . نسبت به اطفال بزه کار ، اتخاذ کنند .

با وجود اینکه کنوانسیون حقوق کودک و قواعد حداقل سازمان ملل مربوط به سیستم دادرسی اطفال ، توسط بسیاری از کشورها امضا شده است . هنوز در بسیاری از کشورها این قواعد به درستی اجرا نمی گردد ، در حالی که بزه کاری اطفال در سراسر دنیا روبه افزایش است .

فلسفه تفاوت برخورد نسبت به اطفال بزه کار که از وضعیت خاص آنها در مقابل مفهوم «مسئولیت» ناشی می شود ، در واقع امری نیست که مختص دنیای مدرن باشد در مذاهب مختلف و در قوانین گذشته نیز عدم مسئولیت جزایی اطفال و یا ناقص بودن آن تصریح شده است . آنچه فهم امروزی نسبت به دوران کودکی را از آنچه در گذشته تصور می شده ، متفاوت کرده است . در واقع طولانی شدن این دوران است ، قانون رم باستان کودک را از مسئولیت جزایی مبرا کرده بود ولیکن دوران کودکی را به هفت سال محدود کرده بود . امروزه این دوران که در طی آن طفل باید آموزش دیده و تربیت شود به طول می انجامد .

با این وجود با توجه به قوانین کشورهای مدرن و پذیرش دوران جدید کودکی ، عدم مسئولیت به معنای مطلق آن جز در مورد خردسالان وجود ندارد ، در واقع ما با شکلی از مسئولیت تدریجی و فزاینده روبرو هستیم . به عنوان مثال طبق رویه قضایی در کشور فرانسه کودکان کمتر از هفت سال را نمی توان به دلیل ارتکاب بزه ای مورد محاکمه قرار داد ، از سن هفت تا سیزده سالگی طفل می تواند مورد محاکمه قرار گیرد ولیکن هیچ گونه مجازاتی نمی توان بر او اعمال کرد ، مگر اقدامات تربیتی اطفال سیزده تا شانزده سال را نمی توان قبل از محاکمه و ثبوت بزه محبوس کرد ، بزه کاران شانزده تا هجده ساله را می توان بازداشت موقت کرد و مرجع رسیدگی به جرائم آنها از اطفال کمتر از شانزده سال نیز متفاوت است . اما تمامی اطفال بزه کار زیر هجده سال ، می بایست از اقدامات تربیتی بهره مند شوند .

اجتماعی و روانشناسان است تا بر عهده مأموران انظامی ، دادگاهها و سازمان زندانها .

سازمان اصلاحات جزایی بین المللی بر این اعتقاد است که با کودکان و نوجوانان بزه کار باید حتی الامکان خارج از سیستم جزایی رسمی برخورد کرد و باید به تربیتی عمل نمود که روشهای جایگزین - خصوصاً آنهایی که شامل مراقبتهای سازمان یافته است - بتوانند کودکان را از خشونت و رفتار ناشایست حفظ نمایند .

۱- مرحله دستگیری و بازجویی

توقیف کودکان و نوجوانان بزه کار (زیر ۱۸ سال) باید به عنوان آخرین راه حل ممکن اعمال گردد و دوره بازداشت موقت در بازداشتگاه پلیس ، بایستی حتی الامکان کوتاه باشد و در هیچ موردی از ۴۸ ساعت تجاوز نکند و به جای آن استفاده از قرار وثیقه همراه یا بدون ضمانت مورد تشویق قرار گیرد . کودکان و نوجوانانی که توسط پلیس بازداشت می شوند باید در مکان مخصوص کودکان نگهداری

در نتیجه پذیرش این امر که قوه عقلانی کودک دائماً در حال رشد و تغییر و تکوین است بدون آنکه قائل به فقدان قوه تمیز برای اطفال باشیم ، «وضعیت خاصی» برای او به وجود می آورد که این «وضعیت خاص» منجر به پدیدار شدن «موقعیت خاص حقوقی» می شود به دلیل این موقعیت خاص حقوقی است که روش برخورد با اطفال می بایست متفاوت باشد ، و به دلیل این موقعیت خاص است که اقدامات تربیتی و حمایتی باید بر فضای دادرسی جزایی اطفال حاکم باشد .

سازمان اصلاحات جزایی بین المللی که همواره در راستای گسترش و برقراری موازین و مقررات بین المللی حقوق بشر مربوط به اصلاحات جزایی و بهبود وضعیت زندانها می کوشد بخشی از فعالیتهای خود را به وضعیت اطفال بزه کار اختصاص داده است این فعالیتهای تنها شامل سعی و کوشش در اجرای موازین و قواعد بین المللی مربوط به حقوق کودکان است بلکه کمک به وضع قوانین جزایی و دادرسی اطفال به دولتها و خصوصاً کمک به ایجاد کانونهای



نگهداری اطفال بزه کار در کشورهای مختلف می باشد . سازمان اصلاحات جزایی بین المللی برنامه خاصی را در این راستا تدوین کرده است .

این برنامه به کاهش خشونت در سیستم های جزایی اطفال بزه کار اختصاص دارد و اساس آن بر قواعد و مقررات بین المللی در این زمینه استوار شده است این مقررات شامل کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به حقوق کودکان ، قواعد حداقل سازمان ملل مربوط به سیستم دادرسی اطفال بزه کار و همچنین قوانین سازمان ملل ، مربوط به حمایت از اطفال محروم از آزادی می باشد .

سازمان اصلاحات جزایی بین المللی بر این اعتقاد است که بدون استقرار یک سیستم صحیح آموزشی و پرورشی و حمایتی اجتماعی نمی توان یک سیستم دادرسی مناسب برای کودکان و نوجوانان برقرار کرد . بار مسئولیت بازپروری و تبدیل یک نوجوان متعرض قانون به انسانی که به قانون احترام بگذارد بیشتر بر عهده اولیا ، معلمان ، مددکاران

شوند و نه در سلولهای معمول . بازجویی باید با حضور اولیا یا قیم ، یا اشخاص خبره ، توسط مأمور خاص و آموزش دیده انجام گیرد . کودکان و نوجوانان بزه کار باید نسبت به حقوق خود مطلع شوند .

۲- حداقل سن قانونی برای مسئولیت جزایی

حداقل سن قانونی برای مسئولیت جزایی ، باید توسط کشورها تا آنجا که میسر است ، افزایش یابد . با اطفال زیر سن قانونی که متهم به ارتکاب بزه ای شده اند نباید در سیستم دادرسی کیفری برخورد کرد . باید موازینی تدوین گردد تا با این افراد به روش مناسبی برخورد و در عین حال از حقوق آنها حمایت شود .

۳- گسترش روشهای غیرقضایی

لزوم برقراری روشهای جایگزین در پیگرد کیفری ، هنگامی که طفل به ارتکاب بزه اقرار کرده است اخطار

فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، فرهنگی و ورزشی، در طول روز باشد. وجود تعداد کافی از کارکنان آموزش دیده زندان که به طور منظم از آنها بازجویی به عمل آید ضروری است سازمانهای غیردولتی را برای ایفای نقش اساسی در حیات این کانونها، باید مورد تشویق قرار داد. اجرای سیاست ضد قلدری و برقراری سیستم میانجی‌گری برای حل اختلاف میان محبوسین، به کارگیری روشهای مناسب برای برقراری نظم و کنترل، که کمترین نیاز را به تحمل فشار داشته باشد. ضبط این گونه وقایع و بازرسی آن نیز ضروری است. احتیاجات و خطرات محتمل باید هنگام ورود بزه کار مورد بررسی قرار گیرد. مرتکبین جرائم سنگین باید از بزه‌کاران مرتکب بزه‌های سبک مجزا شوند.

۹- بازرسی

ایجاد یک سیستم مستقل مراقبت و بازرسی از مکانهای نگهداری اطفال بزه کار، متشکل از بازرسان دولتی و نمایندگان محلی و وجود یک سیستم دادخواهی با عنصری مستقل در محل، ضروری است. بازدیدکنندگان می‌باید به یاری رساندن به اطفال و دفاع از حقوق آنها، تشویق شوند. سازمانهای غیردولتی که برای اجرای حقوق بشر فعالیت می‌کنند بایستی نقش مؤثری در نظارت بر کانونهای نگهداری اطفال بزه کار و یا هر مکان دیگری که اطفال بزه کار در آن نگهداری می‌شوند، ایفا کنند. مواردی که می‌بایست تحت نظارت قرار گیرد از جمله شامل: حق داشتن زندگی خصوصی، حق دادخواهی، حق سپری کردن دوران حبس در مکانهای باز (مگر در موارد استثنائی که اتخاذ اقدامات تأمینی خاص برای حفظ محبوس و یا جامعه ضروری است)، حق دیدار خانواده، حق برخورداری از برنامه‌های آموزشی، تفریحی، بهداشتی و بازروری، می‌شود.

۱۰- روابط خانوادگی

باید حتی الامکان کوشش شود که اطفال محبوس بتوانند با خانواده خود و جامعه در ارتباط باشند. ملاقات باید در محیطی خصوصی صورت گیرد و باید به اطفال اجازه ملاقات خانواده در محل سکونت خانوادگی داده شود. برنامه‌هایی برای تسهیل بازگشت طفل به نزد خانواده و اطرافیان وی صورت گرفته و برنامه‌های کمک به اطفال در بازگشت به جامعه گسترش یابد.

پاورقی:

- ۱- از سخنرانی آیت اله مرعشی در افتتاح کارگاه.
- ۲ و ۳- از سخنرانی آقای دکتر میرمحمد صادقی رئیس دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری در افتتاح کارگاه.
- ۴- از سخنان آیت اله مرعشی.
- ۵- کلمه اطفال در نوشته حاضر به معنی کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال به کار رفته است.

۶- دادگاه اطفال

دادگاههایی با تشریفات دادرسی کمتر باید به رسیدگی به جرائم اطفال کمتر از ۱۸ سال اختصاص داده شوند. جلسات دادگاه باید غیرعلنی بوده و حضور اولیا یا قیم متهم بسیار حائز اهمیت است. قضات این دادگاهها باید از تعلیمات خاصی بهره‌مند شده، خود را نه تنها در صدور حکم بلکه در اجرای حکم و سایر تصمیمات دخیل بدانند. حکم دادگاه باید بر اساس تحقیقات و سنجش احتیاجات واقعی بزه کار و شرایط و مقتضیات ارتکاب جرم بنا شود. حضور وکیل مدافع باید مورد تشویق قرار گرفته و هنگامی که احتمال صدور حکم مجازات زندان وجود دارد، دولت بایستی کمکهای قانونی خود را در اختیار متهم قرار دهد.

۷- مجازاتهای سلب کننده آزادی

به مجازاتهایی که آزادی محکوم را سلب می‌کنند، تنها باید به عنوان آخرین راه حل، آن هم در کوتاهترین

و توییح همراه با اقدامات تربیتی و مشاوره و یاری در حل مشکلات می‌تواند در محل سکونت طفل صورت گیرد. ترتیب ملاقات طفل با شاکی خصوصی و سایر اعضای محل می‌تواند مفید واقع شود. به شرط این که اقدامات امنیتی برای طفل در نظر گرفته شده باشد. مقامات مسؤول می‌بایست رهنمودهای لازم را جهت کمک به برقراری روشهای جایگزین در دادگاههای پائین، تدوین کنند.

۴- بازداشت مسبوق به محاکمه

در صورت امکان اطفال بزه کار را باید در مدت زمان قبل از شروع محاکمه به دست خانواده‌هایشان سپرد. آزادی مشروط می‌تواند همراه با اقدامات حمایتی و مراقبتی از طفل و خانواده وی صورت گیرد. مدت زمان آزادی طفل به قید ضمانت، باید با توجه به سن طفل و نوع بزه محدود گردد. بازداشت قبل از محاکمه تنها باید در موارد استثنائی اعمال گردد، و به هیچ وجه اطفال کمتر از چهارده سال را نباید در تأسیسات مربوط به زندانهای عادی محبوس



مدت و در موارد استثنائی، حکم شود. برای اطفالی که به چنین مجازاتی محکوم شده‌اند باید محیطی باز با حداقل اقدامات تأمینی فراهم گردد آموزش و پرورش و آماده ساختن طفل برای بازگشت به جامعه باید در اولویت قرار گیرد. نگهداری بزه کار در کانونها بایستی همراه با برقراری توازن میان نیاز به روابط خانوادگی و نیاز به اجرای برنامه‌های تخصصی باشد. تعیین یک حداقل سنی (که نباید از ۱۴ سال کمتر باشد) برای قرار دادن اطفال در تأسیسات زندان ضروری است.

۸- تأسیسات زندان

اطفال محکوم به مجازات زندان بایستی در مکانهای مجزا نگهداری شوند، به این معنی که از هر گونه اختلاط آنها با بزرگسالان جلوگیری شود. در زندانهای بزرگ نباید از وجود زندانیان بزرگسال به عنوان نگهبان در امکان مخصوص اطفال استفاده کرد. برنامه‌های دخیل زندان باید سازنده همراه با

کرد. در صورتی که این امر به ناچار صورت پذیرد، باید تا آنجایی که امکان دارد مدت حبس کوتاه بوده و برای آن مهلتی نهایی تعیین شود که پس از آن طفل با وثیقه آزاد گردد. وثیقه و یا شروط دیگر برای آزادی باید با اقدامات حمایتی و مراقبتی از طفل و خانواده او همراه باشد. جداسازی اطفال از بزرگسالان هنگام بازداشت قبل از محاکمه و کنترل شدید شرایط و وضعیت آنها در بازداشتگاه، بسیار ضروری است.

۵- مجازاتهای جایگزین

مجازاتهای جایگزین متعددی لازم است، خصوصاً آنهایی که تأکید بر روشهای ترمیمی و سازنده داشته، سعی در حل مشکلاتی که موجب ارتکاب بزه توسط طفل شده‌اند، می‌کنند. برنامه‌های فشرده‌ای بایستی برای اطفال مرتکب تکرار جرم و جرائم سنگین در نظر گرفته شود. پذیرش اطفال توسط خانواده‌ها و یا نگهداری از آنها در مراکز تربیتی و درمانی باید در صورت لزوم امکان پذیر باشد.